

جمعه 28 دی 1397-12 جمادی الاول 1440-18 ژانویه 2019

اعلام دستگیری اعضای "حزب ملل اسلامی" توسط رژیم پهلوی (1344 ش)



اعلام دستگیری اعضای "حزب ملل اسلامی" توسط رژیم پهلوی (1344 ش)

حزب ملل اسلامی متشکل از عده‌ای از جوانان مذهبی بود که در سال 1343 ش با هدف زمینه سازی برای برانگیختن مردم بر ضد سلطنت محمدرضا پهلوی تشکیل شد. قرار بود که خط مشی حزب در ابتدا تنها فکری و ایدئولوژیکی باشد و در مراحل بعد، عملیات نظامی صورت گیرد. این حزب با آرمان بلند و طبقه بندی مراحل و زمانبندی در سه مرحله رشد و توسعه و پیروزی، در آغاز کار سازماندهی بود که کشف شد و از هم پاشید. آنچه در این میان حایز اهمیت است این که جو اختناق و سرکوب در نیمه اول سال 1344 همچنان ادامه داشت که ناگهان کشف، تعقیب و دستگیری اعضای حزب پنجاه و پنج نفره ملل اسلامی که در تاریخ بیست و چهارم مهرماه انجام و خبر آن در 28 دی ماه آن سال رسماً در جراید اعلام شد، پرده از پوشالی بودن ادعاهای رژیم مبنی بر تسلط داشتن بر اوضاع، و این که ایران در میان گرداب منطقه، جزیره ثبات است، برداشته شد و جنبش مسلحانه در نهضت اسلامی ایران، یکبار دیگر خواب راحت را از چشمان سردمداران رژیم پهلوی ربود.

تولد "میرزا محمدتقی مامقانی تبریزی" عالم و ادیب معروف به "حجت الاسلام" (1247 ق)

میرزاحمد تقی بن ملامحمد مامقانی مشهور به حجت الاسلام از علما و دانشمندان اوایل قرن چهاردهم هجری در آذربایجان است. در 22 سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفت و سپس به تبریز بازگشت. وی شاگردانی تربیت کرد و کتاب‌های نگاهی نگاشت. آتشکده، الفیه، مفاتیح الغیب و... از جمله آثار اوست. حجت الاسلام تبریزی در نجف اشرف مدفون است.

ولادت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب، عالم عظیم الشان حوزه علمیه اصفهان (1297ق)

در سال ۱۲۹۷ هجری قمری (مصادف با ۱۲۵۹ ش) در قریه‌ای در «چرمهین» اصفهان و در خانه‌ای در «چرمهین» اصفهان؛ حاج علی پناه (ارباب حاج آقا) پسری چشم به جهان گشود که نام او را «رحیم» برگزیدند. پدر آقا رحیم، حاج علی پناه، مشهور به ارباب حاج آقا (فرزند عبدالله مشهور به ارباب آقا) فرزند حاج علی پناه فرزند ملاعبدالله شیرانی بود. اجداد آقا رحیم ارباب از اعیان دهاقین و مشاهیر نجبا و بزرگان قریه‌ای اصفهان؛ چرمهین از قرای معروف روستای لنجان اصفهان و صاحب مال و ثروت بودند و بدین سبب، به لقب «ارباب» خوانده می‌شود. آقا رحیم در خانواده‌ای رشد کرد که افرادی باسواد، اهل شعر و ادب و تاریخ بودند. پدر ایشان در شعر، تخلص «لنگر» داشت و سال‌ها با عمان سامانی و دهقان سامانی و ملامحمد همایی و دیگر شعرای معاصرش، جلسات شعر داشت. آقا رحیم نیز پیش از آن اشعار فارسی حافظ و مولانا و شعرای عرب را که حفظ داشت، از دوره کودکی خود و از طریق شنیدن از زبان پدر و عمویش بوده است. آقا رحیم ارباب، بزرگ‌ترین فرزند خانواده اش بود. وی دو برادر و یک خواهر داشت. یکی از برادرانش، عبدالله ارباب (۱۲۹۸-۱۳۷۹ق) استاد بزرگ خط نسخ بود و قرآن و کتاب‌های دعا را با این خط می‌نوشت. دومین برادر وی، حاج عبدالعلی ارباب (۱۳۰۴-۱۳۸۴ق) بود. او نیز مردی باسواد و اهل کمال بود که مخارج خانواده به همت وی تأمین می‌شد. هر دو برابر آقا رحیم از وی کوچک‌تر بودند و پیش از او وفات یافتند. آقا رحیم ارباب، ادبیات فارسی و بخشی از صرف و نحو را در کودکی، نزد ملامحمد همایی، در «چرمهین» خواند. وی در اصفهان، بقیه‌ای در مقدمات و سطوح را نزد حاج میرزا بدیع (متوفی: ۱۳۱۸ق)، قوانین اصول را نزد علامه آیت‌الله آقا سیدمحمدباقر درجه‌ای (متوفی: ۱۳۴۲ق) و خارج اصول فقه را نزد سیدابوالقاسم دهکردی و حاج‌آقا منیر احمدآبادی (متوفی: ۱۳۴۲ق) آموخت. فلسفه، هیئت و ریاضیات را نزد جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملامحمد کاشی فراگرفت. وی چهار سال به فراگیری اسفار نزد حاجی ملااسماعیل درب کوشکی پرداخت. او برای ادامه‌ی تحصیل، به عراق رفت و در درس میرزا محمدحسن شیرازی شرکت کرد، تا به مقام اجتهاد نائل آمد. او شوق فراوانی نسبت به فراگیری دانش داشت. خودش در این باره می‌گوید: «از اول شب آماده‌ی مطالعه‌ی کتاب‌های علمی می‌شدم و مطالعه طول می‌کشید تا شام حاضر می‌شد و لذت مطالعه‌ی کتاب، مهلت به صرف شام نمی‌داد و غذا سرد می‌شد و گاهی مطالعه طول می‌کشید تا صبح می‌شد و بعد از تناول غذای شب و ادا‌ی فریضه‌ی صبح، در مجلس درس حاضر می‌شدم و با شوق علم‌آموزی اعتنا به کمبود خواب نداشتم.» ارادت و عشق آقا رحیم به استادانش به خصوص میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی به حدی بود که نظیرش در کم‌تر کسی دیده شده است. وی در خدمت آن دو بزرگوار می‌ایستاد تا بگویند: «آقا رحیم، بنشین!» آن وقت با ادب در حضور آنان می‌نشست. «آقا رحیم شرح لمعه تدریس می‌کردند. درس شرح لمعه‌ی او و آن قدر تطبیقی بود و شرح و بسط داشت که مطالب را استدلالی برای شاگردانشان می‌گفتند. آن کسانی که می‌رفتند درس ایشان و آن را یادداشت می‌کردند، از شرح لمعه‌ی آیت‌الله ارباب پیش‌تر از درس خارج دیگران استفاده می‌کردند به طوری که کسی شش یا هفت

شارل-لوئی دو سکوندا (به فرانسوی: Charles-Louis de Secondat) یا بارون دو مونتسکیو (به فرانسوی: Baron de Montesquieu)، یکی از متفکران سیاسی فرانسه در عصر روشنگری است. او در سال ۱۶۸۹ در بوردو از شهرهای فرانسه زاده شد. خانواده او همه از نژادگان و اشراف بودند. در رشته حقوق به دانش آموزی پرداخت و در سال ۱۷۰۸ به پیشه دادستانی سرگرم شد و وکیل دادگستری گردید. در سال ۱۷۱۳ پس از مرگ پدرش به عنوان رایزن حقوقی مجلس برگزیده شد. به پژوهشهای دانشی، تاریخی و حقوقی توجه ویژه داشت و چون از وضع آن زمان کشور خرسند نبود کتابی زیر عنوان نامه های ایرانی بدون نام بردن پدیدآورنده منتشر ساخت و چون مورد توجه واقع گشت به عضویت فرهنگستان فرانسه برگزیده شد (سال ۱۷۲۷). رفته رفته دست از تکاپوی دادستانی کشید و به تدوین اثر نام آور خویش، روان آیینها (روح القوانین) پرداخت، این کتاب با پذیرش همگانی شگرفی روبرو شد و بعدها نیز از بن مایه های یاد شده در آن برای گرداندن کشورها و دولت ها بهره بسیاری گرفته شد. مونتسکیو بر این باور بود که انقلاب و شورش و خونریزی کاری از پیش نمی برد و آنچه یک جامعه بدان نیازمند است قانون است. میانه روی در سیاست از ویژگیهای برجسته مونتسکیو بود و چون روحانیان «روح القوانین» او را بی ارزش دانستند نوشتاری بر دفاع از کتاب خویش نوشت. مونتسکیو در سال ۱۷۵۵ پس از مسافرت های زیاد به کشورهای گوناگون جهان در پاریس درگذشت. سال به درس خارج حاج آقا رحیم ارباب می رفت، ادعای اجتهادش مقرون به دلیل می شد. چون در هر بحث فقهی، ایشان روایاتش را از بحارالانوار و یا کتب مشهور روایی که مستند فقه است، نقل می نمودند و یا نظر استادان فقه را با دلایل آن می گفتند. کتاب وسایل^۱؛ الشیعه از کتاب های جامع اخبار فقهی است، کانه ایشان آن روایات را حاضرالذهن داشتند و اقوال مختلف فق ها را نقل می کردند، با شرح لمعه تمام اقوال را با شواهد روایی و شواهد آیات قرآن کریم، تفسیر، لغت، رجال، درایه^۲؛ آن کاملاً بررسی می کردند. مصداق آن^۳؛ چه که به آن می گویند درس خارج. حاج آقا رحیم ارباب، ابتدا در مسجد حکیم و سپس در مسجد «کرک یراق» تدریس می کرد. وی «فقه را از روی جواهر می گفتند و جواهر هم جلوی ایشان بود. در خارج فقه استنباطشان از روی جواهر آشیش محمدحسین نجفی بود. فقه را از جواهر می گفتند و اصول را هم از فرائد.» حاج آقا رحیم پس از آن^۴؛ که بیماری اش شدت یافت، در منزل تدریس می کرد. وی به تدریس، بیش^۵؛ تر از هر چیز دیگر اهمیت می داد، «در طول پنجاه سال کم^۶؛ تر مسافرت رفتند، حتی برای سفرهای زیارتی عتبات مقدس کربلا، نجف، مشهد و حج هم همان یک حج واجب را ایشان رفتند. ایشان درس را تعطیل نمی کردند و در احیای حوزه و تربیت شاگردانی که هرکدام از علمای این شهر (اصفهان) هستند، نهایت جدیت و کوشش را می نمودند.» آیت^۷؛ الله ارباب در سال ۱۳۲۰ جواهر و شرح تجرید علامه را در مسجد حکیم تدریس می کرد. وی معتقد بود «تنها تدریس کافی نیست، علما و مجتهدین بر اریکه^۸؛ منبر بنشینند و به بیان مسائل شرعی و اخلاقیات برای مردم بپردازند.» یکی از شاگردان وی می گوید: «در زمینه^۹؛ فلسفه، در حد اعلی بودند و به «حکیم» شهرت داشتند.» آیت^{۱۰}؛ الله ارباب از آخرین فروغ های فلسفه در اصفهان بود. وی مدت ها درس فلسفه می گفت، لکن بعداً تبدیل کرد به کلام. مانند «شرح تجرید» و هنگامی که به وی پیشنهاد می شود که شرح منظومه تدریس کند، قبول نمی کند و می فرماید: «حاضر شرایع^{۱۱}؛ الاسلام (فقه) بگویم.» «حکمت ایشان، متمایل به حکمت مشاء و حرف های ملاصدرا بود؛ به مطالب صدرالمآلهین خیلی اهمیت می دادند. هر وقت حرف از حکمت بود، معمولاً سخنان ملاصدرا یا محی^{۱۲}؛ الدین عربی اندلسی را مطرح می فرمودند، زیرا این^{۱۳}؛ ها استوانه های علمی ایشان بودند در حکمت و عرفان.» حاج آقا رحیم ارباب سه سال آخر عمر خود را به^{۱۴}؛ علت کوتاهی یک پرستار پس از عمل جراحی چشمانش، نابینا بود. معظم^{۱۵}؛ له به تاریخ هجدهم ذی الحجه^{۱۶}؛ ۱۳۹۶ ق (برابر با نوزدهم آذرماه ۱۳۵۵ ش) و در روز عید غدیر چشم از جهان فروبست. قبر مبارکش در گورستان تخت فولاد اصفهان، حوالی تکیه^{۱۷}؛ ملک در گلستان شهدا قرار دارد.